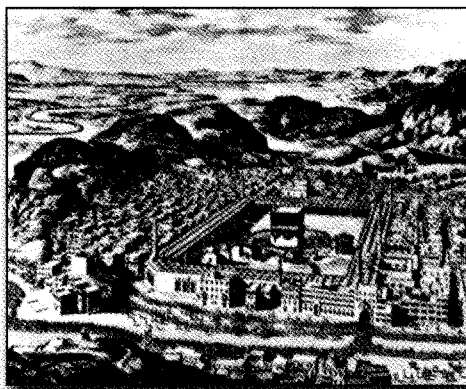


ادنی الحَلِّ

میقات‌های عمره مفرده برای ساکنان مکه



حسن الجواهری / عباسعلی براتی

مقصود از «ادنی الحَلِّ» نزدیک‌ترین مکان‌ها به حدود حرم از بیرون مرزهای آن است. به همین دلیل، زمین‌های درون مرزهای حرم را «حرم» نامیده‌اند؛ زیرا به احترام مکه، احکام خاصی دارد.

منطقه بیرون از مرزهای آن را «حِلِّ» می‌نامند؛ زیرا خداوند متعال آنچه را در درون مرزهای «حرم» حرام کرده، در آن‌جا حلال فرموده است.

یاد «حِلِّ» و «حَرَم» در شعر عربی بازتاب یافته، چنانکه در سخن فرزدق در ستایش امام زین العابدین علیه السلام آمده است:

هذا الذي تعرف البطحاء وطأته و البيت يعرفه و الحِلِّ و الحرم^۱

شارع مقدس، ادنی الحَلِّ را میقات عمره مفرده شمرده و اجازه فرموده که از آنجا نیز محرم شوند.

فقها علیهم السلام آورده‌اند که قارن یا مفرد با متمتع، پس از به پایان بردن حج متمتع، یا کسانی که در مکه هستند و حاجی نیستند، یا از مواقیت گذشته‌اند (میقات‌هایی که پیامبر صلی الله علیه و آله برای احرام و آمدن به مکه تعیین فرموده است)، اگر بخواهند عمره مفرده به جای آورند، میقات آن‌ها از «ادنی الحَلِّ» است و در این مسأله اختلافی نیست. این بدان معنی است که کسی که می‌خواهد عمره به جا آورد، از مرز حرم که در روایات «یک فرسخ در یک

فرسخ دانسته شده» بیرون رود؛ زیرا در روایات بدان تصریح شده است:

۱ - معاویه بن عمار در روایت صحیح از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سه عمره جداگانه به جای آورد: عمره ذی القعدة، که در آن از عسفان احرام بست، و آن همان «عمره حدیبیه» است، و عمره‌ای که در آن از جحفه احرام بست و آن «عمره القضاء» است و عمره‌ای که از جعرانه احرام بست و آن پس از بازگشت از طائف و در غزوه حنین بود.^۲

از طریق اهل سنت از ابن عباس روایت شده است که: پیامبر صلی الله علیه و آله چهار عمره انجام داد: عمره حدیبیه و عمره القضاء در سال بعد و عمره سوم از جعرانه و چهارم همراه با حج.^۳

به نظر من: ظاهر هر دو روایت این است که احرام بستن از عسفان جایز است. این مکان، دو منزل (تقریباً ۴۸ کیلومتر) از مکه فاصله دارد، و میقات نیست و ادنی الحَلّ نیز به شمار نمی‌آید.

ولی مرحوم آیت الله خوئی رحمته الله علیه چنین می‌نویسد: «از روایات صحیح و تاریخ‌های معتبر چنین به دست می‌آید که پیامبر صلی الله علیه و آله پس از هجرت، تنها دو عمره انجام داده است و در صحیحه پیشین که سه عمره برای آن حضرت می‌شمارد، از جهت شروع به عمره و احرام بستن برای آن است، ولی یک بار مشرکان او را از آمدن به مکه بازداشتند، و آن حضرت صلی الله علیه و آله پس از صلح با آنان در حدیبیه، از همانجا بازگشت و در سال بعد عمره‌ای برای قضای آن - که از او و یارانش فوت شده بود - به جای آورد. و به همین دلیل، آن را عمره القضاء نامیدند. چنانکه در صحیحۀ ابان از امام صادق علیه السلام آمده است: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای عمره حدیبیه احرام بست، ولی سال بعد آن را قضاء کرد و یک عمره از جعرانه، هنگامی که از طائف می‌آمد، و این سه عمره همه در ذی القعدة بودند.»^۴

در صحیحه صفوان آمده است: «پیامبر صلی الله علیه و آله از جعرانه احرام بست.»^۵ پس آنچه از صحیحۀ معاویه بن عمار می‌توان دریافت، این است که: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از مسجد شجره برای عمره احرام بست و از عسفان صدای خود را به لئیک بلند کرد و این همان عمره‌ای بود که مشرکان نگذاشتند و با آمدن به مکه آن را انجام داد. حضرت در حدیبیه با آنان صلح کرد و بی آنکه مناسک عمره را به جای آورد، از آنجا بازگشت و





در سال بعد عمره انجام داد و از مسجد شجره احرام بست و لیبیک گفت و صدای خود را از جحفه به لیبیک بلند کرد و آن را عمره القضاء نامیدند، اما درباره جعرانه، ظاهر صحیح آن است که آن حضرت علیه السلام از آنجا احرام بسته است؛ زیرا سخن او که می‌فرماید: «و عمره جعرانه آن است که آغاز آن عمره از جعرانه بوده و حضرت پیش از آنجا احرام بسته است و صدای خود را از جعرانه به تکبیر بلند کرده است، چنانکه در صحیح پیشین ابان آمد. پس از صحیح استفاده می‌شود که جایز است با حالت اختیار، انسان از جعرانه برای عمره مفرده احرام ببندد، هر چند از اهل مکه نباشد؛ مانند پیامبر صلی الله علیه و آله و یارانش، چنانکه می‌تواند از ادنی الحَلّ نیز احرام ببندد، ولی این ویژه کسی است که در مسیر راه تصمیم به عمره گرفته باشد.^۶

به نظر من: بنا بر آنچه گفته شد، این روایت دلیل بر احرام بستن از جعرانه است که تنها ادنی الحَلّ به حرم است.

۲- آنچه که از جمیل بن ذرّاج در صحیح آمده است، گفت: «از امام صادق علیه السلام پرسیدم: اگر زن حائض روز ترویبه به مکه بیاید، تکلیف او چیست؟ فرمود: همانگونه به عرفات برود و نیت حج کند، سپس وقوف کند تا پاک شود و آنگاه به تنعیم برود و از آنجا احرام ببندد و نیت عمره کند. ابن ابی عمیر گفت: عایشه نیز چنین کرد.^۷ عمل عایشه چنانکه ابن ادریس در آخر سرائر به نقل از کتاب معاویه بن عمار آورده، چنین است: «...پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بطحاء فرود آمد و در آن هنگام، عایشه را با برادرش عبدالرحمن به تنعیم فرستاد و او از آنجا عمره انجام داد؛ زیرا پیش از آن برایش مشکلی پیش آمده بود. او به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: زن‌های تو با حج و عمره برگردند و من با حج تنها؟ پس در این هنگام پیامبر او را از آنجا به عمره فرستاد.^۸

۳- ابن بابویه در حدیث صحیح از امام صادق علیه السلام روایت کرد: «هرکس می‌خواهد از مکه برای عمره بیرون آید، از جعرانه یا حدیبیه یا مانند آن‌ها عمره انجام دهد.^۹ این روایت، شامل همه جایگاه‌های حرم می‌شود؛ زیرا حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «و مانند آن‌ها»، و این از جهت آن‌که عمره بعد از حج باشد یا نباشد نیز عمومیت دارد، بنابراین، نباید در این حکم تردیدی داشت.

به نظر من: از این روایات روشن می‌شود که: سه میقات در احرام عمره مفرده از

دیگر نقاط «ادنی الحَلِّ» برتری دارند:

۱ - حدیبیه.

۲ - جعرانه.

۳ - تنعیم.

حجفه از ادنی الحَلِّ، بسیار دورتر است و اکنون حاجیانی که از راه دریا، از بندر ینبع و از مصر و جاهای دیگر می آیند و از اردن از بندر عقبه می آیند، از کنار آن می گذرند. و عسفان نیز از مکه، دو منزل دورتر است.

اشکالی به نظر نمی رسد اگر در اینجا اشاره کنیم که این سه میقات اختیاری هستند و حکم الزامی ندارند؛ چنانکه شیخ الطائفه و صاحب جواهر صریحاً آورده اند.^{۱۰} بنابراین، جایز است که به یکی از مواقیع دیگر؛ مانند حجفه و یَلْمَم و عقیق و یا میقات دیگری برای احرام برویم؛ زیرا روایات نشان می دهند که این میقاتها برای مردم آنجاها و کسانی که به آنجاها بیایند، مشروعیت دارند.

صفوان بن یحیی در حدیث صحیح از امام رضا علیه السلام روایت می کنند:

«...پیامبر خدا صلی الله علیه و آله این میقاتها را برای مردم آنها و برای کسانی که از مردم جاهای دیگر به آنها بیایند، تعیین فرموده و اجازه داده است که هرکس مشکلی دارد، از آنها عبور کند، پس جز از روی عذر و به خاطر مشکلی از میقات عبور نکن.»^{۱۱}

ما اینک می خواهیم به گونه ای گسترده از سه میقات سخن بگوییم:

حدیبیه، جعرانه و تنعیم و اشکالی که درباره تنعیم و دورتر بودن آن از جای

کنونی اش وجود دارد.

آن را باید با ضَمِّ حاء و فتح دال مهمله و یای دو نقطه و تاء تأنیث بخوانیم که در اصل نام چاهی در خارج حرم، از راه جده، نزدیک مسجد شجره است که بیعت رضوان در آنجا انجام شد و قرآن درباره آن آورده است: ﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ...﴾.^{۱۲}





خطابی، در امالی خود آورده است: حدیبیه را از آن روی بدین نام خوانده‌اند که درخت حدباء در آنجا رویده بود و میان آن و مکه دو منزل فاصله است و در حدیث آمده است که آن، نام چاهی است. بخشی از آن در «حِلّ» و بخشی در «حرم» است و آنجا دورترین نقطه حِلّ از خانه خداست و مالک بن انس، همه آن را از حرم می‌داند.^{۱۳}

شکل درست کلمه

یاء را مفتوح و با تشدید خوانده‌اند. سهیلی در کشف اللثام گفته است: «بدون تشدید خواندن آن نزد علمای ادبیات عرب، مشهورتر است. احمد بن یحیی می‌گوید: به شکل دیگری نباید آن را بخوانیم و از شافعی نیز این سخن نقل شده است». ابو جعفر نحاس می‌گوید: «از هر کس که به دانش او اعتماد داشتم و از علمای ادبیات عرب بود که حدیبیه را چگونه بخوانم؟ همه گفتند: بدون تشدید و گفته شده که از هیچ انسان فصیحی شنیده نشده که آن را با تشدید بخواند.»^{۱۴}

در حدائق آمده است: ابن ادریس در سرائر آورده:

«حدیبیه نام چاهی بیرون از حرم است و حدیبیه را بدون تشدید و با تشدید خوانده‌اند. از ابن عطار نوهی درباره آن پرسیدند، گفت: اهل زبان، آن را بدون تشدید می‌خوانند و اهل حدیث آن را با تشدید و همین را برای من نوشته و نوشته او را دارم. او استاد اهل بغداد بود.»^{۱۵}

در تهذیب الأسماء آمده است: در مطالع چنین است: ما از اساتید ماهر شنیده‌ایم که آن را بدون تشدید می‌خوانند ولی عموم فقها و محدثین آن را تشدید می‌دهند^{۱۶} منطقه حدیبیه امروز، به نام «شمیسی» با حالت تصغیر خوانده می‌شود و در غرب مکه مکرمه، در حِلّ، در راه مکه - جده قدیم قرار گرفته و میان آن و دو ستون نشانه حرم، فاصله اندکی است. این دو ستون، خود با مکه تقریباً ۲۲ کیلومتر فاصله دارند.

۲ - جعرانه:

شکل صحیح آن با کسر جیم و سکون عین مهمله، تشدید راء مهمله مفتوحه است. چنانکه از کتاب «جمهرة اللغة» نقل شده، اصمعی و شافعی می‌گویند: آن را با کسر جیم و

سکون عین و تخفیف راء باید خوانند. گفته می‌شود که اهل عراق آن را تشدید می‌دهند و مردم حجاز بی تشدید می‌خوانند. از ابن ادریس نقل شده است: با فتح جیم و کسر عین و تشدید راء نیز خوانده شده، پس راء را هم می‌توان تشدید داد و هم تخفیف؛ زیرا هر دو از سوی افراد مورد اعتماد استفاده شده است.

و آن نام جایی است میان مکه و طائف و در جِلّ قرار گرفته و با مکه ۱۸ میل فاصله دارد و در شمال شرق آن واقع شده است و دو ستون نشانه مرز حرم در آن جا دیده می‌شود. پیامبر ﷺ برای عمره سوم خود از آنجا احرام بست، چنانکه در روایات صریحاً آمده است. و مسجد جعرانه نیز که آن حضرت در بازگشت از طائف هنگام فتح مکه در آن نماز خواند و احرام بست، در آن جا واقع است. این مسجد در پشت رودخانه در عدوة القصوی قرار دارد و آن را به همین دلیل، المسجد الاقصی نیز می‌نامند؛ زیرا مسجد دیگری نیز از سوی افراد نیکوکار در آن منطقه بنا شده است و المسجد الادنی نام دارد. نزدیک مسجد پیامبر ﷺ چاه بزرگ، دارای آب شیرین وجود دارد. اکنون آن جا روستایی است که از مکه از سمت شمال شرقی نزدیک به ۲۴ کیلومتر فاصله دارد و مسجد نیز از سوی دولت سعودی برای احرام بستن حجاج ساخته شده که در سمت شرقی مسجد قدیمی، بدون فاصله جای دارد.^{۱۷} ولی نویسنده «معجم معالم الحجاز» درباره جعرانه چنین آورده است: «وکسانی که گفته‌اند: جعرانه میان مکه و طائف قرار دارد، اشتباه کرده‌اند؛ زیرا آن در شمال مکه و مایل به سمت شرق است و نیازی به نام طائف برای تعیین حدود آن نداریم؛ چرا که بیش از ۲۹ کیلومتر از مکه فاصله ندارد.^{۱۸}»



جعرانه و جایگاه جغرافیایی آن

نویسنده «مختصر معجم معالم مکه التاریخیه» می‌نویسد: کوه ستار در نزدیکی جعرانه در سمت جنوبی آن جای گرفته و آن همان کوهی است که بر بالای دو ستون نشانه مرز حرم، در کنار راه نجد، از سمت شمال قرار دارد و کسی که از مکه به نخله می‌رود، ستار را در سمت چپ و نزدیکی خود می‌یابد. جعرانه - امروز - روستایی کوچک است و در بالای وادی سرف قرار دارد.^{۱۹}



آن را با فتح تاء و به صورت مصدر می خوانند و نام جایی است که سه تا چهار میل با مکه فاصله دارد... و در آن، مسجد امام امیر المؤمنین علیه السلام و مسجد امام زین العابدین علیه السلام و مسجد عایشه قرار دارد و آن را تنعیم نامیده اند؛ زیرا کوهی به نام نعیم در سمت راست آن و کوهی به نام ناعم در چپ آن و رودی به نام نعمان در میان آن دو جای دارد و آن نزدیک ترین نقطه حِل به مکه است؛ چنانکه اکنون نیز آشکار است.^{۲۰}

تنعیم در سمت شمال غربی مکه مکرمه است و میان مکه و سرف، که در آن قبر امّ المومنین، میمونه همسر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله قرار دارد و در جاده مکه - مدینه واقع شده که از وادی فاطمه می گذرد (این مکان را پیشتر مَرّ الظهران می نامیدند).

نویسنده «مختصر معجم معالم مکه التاریخیه» در باره جایگاه تنعیم می نویسد:
 «رودی است که از شمال و از میان کوه های بشم در سمت مشرق و جبل الشهد در سمت جنوب سرچشمه می گیرد و در رودخانه یاج می ریزد و میقات کسانی است که از مردم مکه باشند و بخواهند عمره به جای آورند و عمره آنان را به نام مکان شروع عمره عمره التنعیم می نامند، تا از عمره جعرانه تشخیص داده شود. پیشتر آن را نعمان می خواندند. محمد بن عبدالله نمیری می گوید:

فلم تر عینی مثل سرب رأیته	خرجن من التنعیم معتمرات
مرزناً بفتح ثم رحن عشیه	یلین للرحمن مؤتجرات
تضوع مسکاً بطن نعمان إذ مشت	به زینب فی نسوة عطرات ^{۲۱}

«چشم من پیشتر مانند این گروه از زنان را ندیده بود که آن ها را مشاهده کردم که از تنعیم به عمره می روند. آن ها از فح گذشتند و شامگاهان با لبیک برای خدای رحمان بیرون رفتند و اجر و پاداش آنان با اوست. بستر رودخانه نعمان از عبور زینب و دیگر زنانی که عطر زده بودند، خوشبو شد.»

در همان کتاب آمده است: «برخی گمان کرده اند که نعمان در این شعر همان نعمان الأراک است، ولی اشتباه کرده اند؛ زیرا کسانی که برای عمره به مسجد الحرام می آیند، به

نعمان الأراك نزدیک نیستند. ۲۲

به نظر من، نعمانی که بعد از مسجد تنعیم است، ربطی به نعمان الأراك که در جنوب عرفات است، ندارد؛ زیرا تنعیم در شمال غربی مکه است و عمره گزاران از نعمان الأراك که در جنوب عرفات است؛ نمی گذرند^{۲۳} که به گفته بلادی «رودی است بزرگ از رودهای حجاز تهامی... از غرب سرچشمه می گیرد و از نزدیکی جنوب عرفات می گذرد و سپس در عرفه گرد هم می آید و آن را عرفه می نامند و از میان کوه های کُساب و حبشی در جنوب مکه در فاصله ۱۱ کیلومتری می گذرد و مرز حرم شریف نیز همان جاست و رودخانه، میان کبک و قرضه پهن تر می شود و آن را به دلیل پهنایش، خبت نعمان می خوانند. ۲۴

مکان احرام بستن در تنعیم را امروز «عمره» می خوانند و مسجدی دارد که آن را «مسجد عایشه» نامیده اند و به عایشه همسر پیامبر نسبت می دهند؛ زیرا برادرش عبدالرحمن، به دستور رسول خدا ﷺ او را از آنجا محرم ساخت؛ چنانکه در روایت پیشین نیز آمد. دولت سعودی در جنوب ستون های نشانه حرم مسجدی ساخته که نزدیک مسجد پیشین در همین مکان است و امروز محله ای از محلات شهر مکه شده است و آن را «حی العمره» می نامند و از مسجد الحرام و مکه قدیم، ۶ کیلومتر فاصله دارد.

تردید در میقات تنعیم کنونی

من دیده ام که برخی از تاریخ نویسان و جغرافی دانان اشاره می کنند که جایگاه احرام در تنعیم، به جز جای کنونی است که آن را به نام «عمره» می شناسند، اکنون برخی از آن ها را می آوریم:

۱- ابو اسحاق حربی خراسانی (۲۸۵ هـ). در کتاب مناسک (ص ۴۶۷) می نویسد:

«تنعیم پشت قبر (قبر میمونه) با سه میل فاصله و پیش از مسجد عایشه و همان جای شجره (درخت) است و در آن یک مسجد و چند خانه هست و هرکس بخواهد، می تواند از آنجا احرام ببندد».

شجره ای که در اینجا به آن اشاره شده، درخت هلیله است که در مسجد مشهور به





مسجد هلیلجه قرار داشت و چندی بعد، این درخت افتاد.

این سخن با واقعیت امروز ناسازگار است که تنعیم میان مکه و سرف (که در آن قبر میمونه است) قرار گرفته و با یکی بودن تنعیم با مسجد عایشه که در آنجا به دستور پیامبر خدا ﷺ احرام بست، نیز سازش ندارد؛ زیرا این تاریخ نویس می‌گوید: «تنعیم، سه میل پس از قبر میمونه و پیش از مسجد عایشه است».

ابو اسحاق حربی خراسانی می‌نویسد: «از مالک بن دینار، از قاسم، از عایشه آمده است: پیامبر ﷺ به او فرمان داد که از تنعیم عمره به جای آورد و مسجد عایشه دو میل پس از آن و چهار میل به مکه مانده، قرار دارد.»

این سخن نیز با آنچه امروز شهرت دارد که مساحت میان دو ستون تنعیم که اکنون سرپا هستند، بیش از شش کیلومتر؛ یعنی چهار میل نیست.

۲- در کتاب «وفاء الوفا» نوشته سمهودی (۹۱۱ هـ). آمده است: «اسدی گفته است: تنعیم سه میل پشت قبر میمونه قرار دارد که همان جای شجره است و در آن مسجد پیامبر ﷺ و چند چاه وجود دارد و هر کس بخواهد عمره به جای آورد، از اینجا احرام می‌بندد. و سپس می‌گوید: میقات اهل مکه برای احرام بستن، مسجد عایشه است که دو میل پس از شجره و چهار میل مانده به مکه است و میان آن و ستون‌های حرم اندکی فاصله است.»

۳- احمد بن عبدالحمید عباسی از تاریخ‌نویسان قرن دهم هجری در کتاب «عمدة الأخبار» (ص ۱۴۴) می‌نویسد: «تنعیم سه میل پس از قبر میمونه است.»

۴- سرتیب عاتق بن غیث بلادی (تاریخ‌نگار معاصر حجاز) در کتاب «علی طریق الهجرة»، (ص ۱۰) می‌نویسد: «گفته می‌شود: عمره از این جا (نزدیک قبر میمونه) بوده و مکیان بر آنند که مرز حرم آنجاست و هنگامی که امنیت بر هم خورد، جای عمره را از ترس آسیب رسیدن به حج و عمره گزاران تغییر دادند.

به نظر من: همه متون یاد شده بر آن بودند که تنعیم که عمره گزاران می‌توانند از آن احرام ببندند یا نزدیک میمونه است؛ چنانکه در متن آخرین آمد و یا سه میل یا دو میل دورتر از آن است و به این ترتیب، متون با مسجد تنعیم کنونی که میان مکه و سرف (که قبر میمونه آنجاست) و از مسجد یا مکه کهن، تقریباً شش کیلومتر فاصله دارد، مخالف

هستند. متون دیگری نیز وجود دارد که می‌گوید: تنعیم از ادنی الحل به مکه، اندکی دورتر است، مانند:

۱- محب طبری مکی (۶۹۴ هـ.) چنانکه رشدی ملّحس محقق اخبار مکه نوشته ازرقی، در حاشیه همان کتاب (ج ۲، ص ۱۳۰) می‌نویسد:

«از ادنی الحل اندکی دورتر است، و به طرف حل نیست.»



۲- ابوالطیب فاسی مکی در شفاء الغرام، (ج ۱ ص ۲۸۹) می‌آورد: «دوم آن که تنعیم یاد شده در مرز حرم به سمت مدینه منوره و در برابر ادنی الحل است؛ چنانکه محب طبری می‌گوید: «به طرف حل نیست»، و هر کس چنین تفسیر کرده، به صورت مجاز سخن گفته، نام چیزی را بر منطقه نزدیک آن قرار داده و هیچ جایی در حل از آن به حرم نزدیک‌تر نیست و آن، سه میل با مکه فاصله دارد و تنعیم اندکی دورتر، روبروی آن است.»

متن سوّمی نیز وجود دارد که می‌گوید: «تنعیم از مکه دو فرسخ فاصله دارد. فاسی می‌گوید: «صاحب مطالع آورده است: تنعیم از حل است و میان مکه و سرف و در دو فرسخی مکه است و می‌گویند چهار میل فاصله دارد.»

جایگاه فح

آن چه بر تردید انسان می‌افزاید، آن است که جایگاه «فح» در غرب مکه و در کنار راه مکه - تنعیم - مدینه است و میان آن و مکه، سه میل؛ یعنی شش کیلومتر راه است. فح با فتح فاء و خاء مشدّد، چاه معروفی در یک فرسخی مکه است؛ چنانکه در قاموس آمده است: «جایی در مکه است که در آن ابن عمر دفن شده است» و در نهایة ابن اثیر آمده است: «جایی در مکه است و می‌گویند رودی است که در آن عبدالله بن عمر دفن شده است.» و در سرائر ابن ادریس حلّی آمده است: «جایی در یک فرسخی مکه است و در آن جا حسین بن علی بن حسن بن حسن بن علی امیر المؤمنین کشته شده است؛ چنانکه نویسندۀ کشف اللثام نیز آن را آورده است.»

در هر حال: این جایگاه مشخص است و همه این تعریف‌ها درباره آن درست است

و آن رودخانه‌ای است که ابن عمر در آن دفن شده و چاهی نیز در آن وجود دارد و نبرد فح در آن جا روی داده است که گفته‌اند، پس از فاجعه کربلا، فاجعه‌ای دلخراش از آن نبوده است.^{۲۵}

فقه‌های امامیه، در این که آیا کودکان می‌توانند از فح احرام ببندند یا نه، اختلاف دارند و در میان آن‌ها دو قول وجود دارد:

نخست: گروهی از فقه‌های امامیه علیه السلام معتقدند که فح میقات کودکان است؛ یعنی می‌توان احرام آنان را تا اینجا به تأخیر انداخت، ولی لازم نیست و استدلال کرده‌اند که در صحیح ایوب بن حرّ آمده است: «از امام صادق علیه السلام پرسیدند که تکلیف کودکان چیست؟ فرمود: پدرم از فح، لباس از تن آن‌ها بیرون می‌آورد.»^{۲۶} و این در حالی است که از راه مدینه بگذرند، ولی اگر از راه دیگری بیایند، از میقاتی که در راهشان است، احرام می‌بندند.

گروهی آورده‌اند: در روایت کنایه‌ای است که می‌توان آن‌ها را از فح محرم کرد (بلکه چه بسا این سخن به اکثر آنان نیز نسبت داده می‌شود و در روضه آمده است: از سخن دیگری استفاده می‌شود که در آن اختلافی نیست).

دوم: دیگران معتقدند که احرام کودکان، از میقات است، ولی اجازه دارند که تا فح به پوشیدن لباس دوخته ادامه دهند و چون به فح رسیدند، آن لباس‌ها را به کنار می‌نهند و به ظاهر صحیح یاد شده استناد کرده‌اند و آن را به معنای حقیقی گرفته‌اند و نیز ظاهر روایاتی را که می‌گوید باید احرام از میقات باشد، معتبر دانسته‌اند. اگر احرام کودکان مطلقاً از میقات باشد، خواه در حج و خواه در عمره، حتی اگر از اهل مکه باشند و بخواهند عمره مفرده انجام دهند، چنانکه ظاهر اطلاق آن‌ها نیز چنین است، در این صورت بنا به سخن دوم، احرام عمره باید از تنعیم کنونی باشد که تقریباً شش کیلومتر از مکه فاصله دارد، با آن که کودک از میقات، احرام می‌بندد، ولی در فح که شش کیلومتری مکه است؛ لباس دوخته را به کنار می‌نهد و این جنبه عرفی آشکاری دارد و کودک در این حکم از انسان بالغ حکم سخت‌تری دارد، در مورد نسبت سخن اول، باید گفت که کودک و بالغ در این حکم برابرند، با آن که عرف معتقد است که اگر بخواهیم به کودک ارفاق کنیم؛ احرام او باید ساده‌تر از احرام بالغ باشد.^{۲۷}



در پاسخ این تردید چند شیوه را دنبال می‌کنیم:

۱ - پاسخ تردید از جنبهٔ فقهی

به نظر ما: این سخنان یاد شده در تعیین مسافت تا جای احرام در تنعیم، هر چند اختلاف فراوانی دارند، ولی این به ما اجازه نمی‌دهد که دست از جای احرام کنونی در تنعیم برداریم؛ زیرا این سخنان به خودی خود اعتبار ندارند، چون یا خبر واحد هستند که معتبر نیست یا با هم تعارض دارند و ناسازگارند، زیرا هر چند سخن کارشناسان هستند ولی چون با یکدیگر ناسازگارند، همه بی اعتبار می‌شود، تنها سیره فراگرفته از مسلمانان در زمینهٔ احرام از مسجد تنعیم کنونی در فاصله شش کیلومتری مسجد الحرام یا مکه قدیمی باقی می‌ماند و این بهترین دلیل برای باطل ساختن تردید پیشین است؛ زیرا این سیره، دست به دست و سینه به سینه از کسانی که پای بند اجرای شریعت هستند و آن را روش زندگی خود ساخته‌اند، از زمان معصومین تاکنون به ما رسیده است و برای ما یقین می‌آورد که میقات تنعیم همان است که پیامبر ﷺ یقین فرموده است و اگر هر گونه تغییری در میقات در هر زمانی روی می‌داد، به صورت روشن و آشکار به ما می‌رسید، زیرا تغییر در عبادات و جایگاه‌های آن که از سوی پیامبر ﷺ تعیین شده است؛ موجب اعتراض همهٔ مسلمانان می‌شد و این تغییر و اعتراض برای دیگران نیز نقل می‌شد، با این که می‌بینیم در روایات موجود در برابر ما هیچ تغییری در میقات تنعیم، نقل نشده است. تنها برخی از تاریخ نویسان معاصر آورده‌اند که جای عمره را به دلیل ناامنی و ترس حاجیان و عمره گزاران تغییر دادند و به جای کنونی آوردند. او نیز تصریح کرده که «گفته می‌شود» و این سخن قابل اعتنائیست؛ زیرا حتی همین مؤرخ معاصر نیز آن را به طور قطعی نپذیرفته است، پس سخنی بی ارزش است که سیره و رفتار مسلمانان آن را رد می‌کند؛ زیرا آنان همواره جای احرام را همین مسجد تنعیم کنونی دانسته‌اند.

از این گذشته، بسیاری از یاران^{۲۸} در اینجا، برای شناسایی میقات‌ها، شیاع پدید آورندهٔ ظنّ نیرومند را کافی دانسته‌اند، شاید علت آن صحیحۀ معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام می‌باشد که فرمود:



تذکره

«يُجْزِيكَ إِذَا لَمْ تَعْرِفِ الْعَقِيقَ أَنْ تَسْأَلَ النَّاسَ وَ الْأَعْرَابَ عَنْ ذَلِكَ»^{۲۹}

«اگر ندانستی عقیق کجاست می‌توانی از مردم و اعراب درباره آن پرسش کنی.»
یعنی شیاع موجود در میان مسلمانان، در اینجا مرجع و منبع تعیین جای میقات است
نه سخن تاریخ‌نویسان و جغرافی‌دانان، به‌ویژه اگر در آن اختلاف و ناسازگاری باشد.

۲- پاسخ تردید از جنبه ریاضی



سخنان پیشین درباره اندازه گیری فاصله تا جای احرام در تنعیم به این صورت
نمایان می‌شود: سه تا چهار میل - شش میل - یک فرسخ - دو فرسخ - شش کیلومتر -
دوازده کیلومتر تقریبی. آیا می‌توان این اختلاف را از ابزارهای اندازه گیری و جای احرام
را همین جای کنونی دانست؟

پاسخ: آری می‌توان؛ زیرا اندازه گیری مسافت به چند دلیل تفاوت می‌کند:

الف: اختلاف نظر در اندازه «ذراع» که برای شمارش به کار می‌رفته است، و سه
نظریه درباره آن وجود داشته است:

نخست: ذراع دست که میان ۵۲ سانتی متر تا ۵۰ سانتی‌متر تا ۴۸ سانتی‌متر متفاوت بوده
است.

چون ذراع - چنانکه علمای لغت مانند نویسنده «مجمع‌الحرمین» آورده‌اند - «از
آرنج تا سر انگشتان است و ذراع شش قبضه و هر قبضه چهار انگشت است» و شاید
اندازه انگشت نیز در افراد مختلف با انسان متعارف فرق داده شده است و همین، سبب
شده که در تعیین اندازه، به سه عدد مختلف برسند.

دوم: ذراع آهنین که تقریباً برابر با ۵۸ سانتی متر است.

سوم: ذراع ساختمانی که تقریباً ۷۵ بوده است.

ب: اختلاف در تعیین اندازه میل با ذراع، و میل را نیز در مقایسه با ذراع با اعداد
مختلفی اندازه گیری کرده‌اند:

- ۲۰۰۰ ذراع است.

- ۳۵۰۰ ذراع است.

- ۴۰۰۰ ذراع است.

- ۶۰۰۰ ذراع است. ۳۰

و به همین ترتیب، اگر میل با ذراع و مسافت با میل سنجیده شود می توان فرق اندازه گیری را با فرسخ یا کیلومتر بیان کرد.

ج: از این گذشته، اختلاف در نقطه صفر اندازه گیری نیز وجود داشته و گاهی در ورودی مسجد و گاهی آخر مکه را آغاز مسافت می شمرده اند.

د: اختلاف در راه های عبور، که پیچ و خم های متفاوتی داشته است، چه بسا برای طی یک مسافت در زمان های گوناگون، از چند مسیر استفاده می شده و در زمان مساوی، مسافت های مختلفی طی می شده و گاهی همان مسافت را با حذف آن پیچ و خم ها طی می کرده اند یا میان بُر می رفته اند، که مسافت کمتری را در بر می گرفته است.



۳ - پاسخ تردید از جنبه تعیین جای تنعیم با روش توصیف

جای کنونی تنعیم، میان مکه و سرف است (که در آن قبر ام المومنین، میمونه دختر حارث، همسر پیامبر خدا ﷺ قرار دارد) و در این صورت، می توان عبارت هایی را که می گوید: «تنعیم سه میل پس از قبر میمونه قرار دارد»، با توصیف نخستین برابر دانست، ولی توصیف اول برای کسی است که از مکه بخواند به آنجا برود، لیکن توصیف دوم برای کسی است که از بیرون مکه بخواند به آنجا برود و آنجا برای کسی که از مکه می آید، به خودی خود میان مکه و قبر قرار دارد و برای مسافری که از بیرون مکه می آید پس از قبر است و خدا حقیقت مسائل را بهتر می داند.

شاید نکته ای بتواند به اختلاف و تردید پایان دهد، من این نکته را در نقشه مکه مکرمه یافتم (که پیوست کتاب مکه مکرمه در شذرات الذهب نوشته غزاوی درباره بررسی و تحقیق برخی جاهای مشهور در آن است) و نشان می دهد که تنعیم نام سه جایگاه است:

۱ - منطقه عمره که در شمال غربی کوه نعیم و غرب کوه ناعم و جای کنونی عمره است.

۲ - تنعیم که در شمال منطقه عمره است.

۳ - منطقه تنعیم که در شمال کوه وتد و جنوب منطقه غزاله و کوه غبیر است.



بنابراین اختلاف در فاصله تنعیم از مسجد الحرام یا مکه، شاید به سبب این سه منطقه باشد، پس جایی که در آن احرام درست است؛ منطقه عمره است که نزدیک ترین تنعیم به حرم است.

آیا جمع میان مرزهای کنونی حرم و میقات‌های «ادنی الحل» مشکلی پدید می‌آورد؟ شارع مقدس حرم مکه را تعیین کرده است؛ چنانکه در موثقه زراره آمده است او می‌گوید: «از امام باقر علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: خدا حرم خودش را یک برید در یک برید تعیین کرده است» (و آن تقریباً ۲۳ کیلومتر است).

آیا می‌توانیم این تعیین کلی را با مرزها و علامت‌های کنونی تطبیق کنیم که دست به دست از زمان معصومان علیهم السلام به ما رسیده و تنعیم کنونی را بیرون از مرزهای حرم قرار می‌دهد که در کنار آن علامت‌های فعلی دیده می‌شود؟

به نظر من: اگر به دلیل‌هایی که می‌گوید آنجا بخشی از حرم است؛ زیرا می‌توان سنگریزه‌های حرم را از آنجا گردآوری کرد و جعرانه و تنعیم و حدیبیه بیرون از حرم هستند؛ زیرا می‌توان برای عمره مفرده از آنجا احرام بست و نصوص پیشین آن را ثابت کرد، بل احرام بستن از جاهایی شبیه جعرانه و حدیبیه را نیز جایز شمرد؛ چنانکه در خبر صحیح پیشین آمد که نشان می‌داد؛ احرام بستن از هر جایی بیرون از حرم جایز است و ما را وادار می‌سازد که مرزهای حرم را میان این میقات‌ها بدانیم؛ به گونه‌ای که مزدلفه نیز در آن‌ها باشد و به این ترتیب، مرزهای حرم فاصله‌های متفاوتی تا مکه دارند. پس، از سمت تنعیم (شمال غربی)؛ حرم پیش از تنعیم کنونی است، چنانکه علامت‌های موجود در حال حاضر نشان می‌دهند؛ زیرا آن‌ها بیش از شش کیلومتر دور نیستند و از سمت جنوب می‌گویند که روشنایی لبین (لبن) از سمت جنوب، مرز حرم است که فاصله آن ۱۸ کیلومتر بیشتر نیست و به این ترتیب «برید» میان دو علامت تنعیم و دو علامت روشنایی لبین (لبن) قطعی است.

جعرانه (که میقات احرام از شمال شرقی است).

عرفه (که مرز حرم از سمت شرق است).

حدیبیه (که میقات غرب است).

همگی بیرون از حرم هستند و فاصله‌هایی میان ۲۰ تا ۲۳ کیلومتر دارند.

در این هنگام، نمی‌توان فاصله برید در برید میان این مکان‌ها را پیاده کرد، ولی ما می‌توانیم بگوییم: فقها، گفته‌اند که مستحب است احرام از جعرانه و حدیبیه باشد و احرام از ادنی الحَلّ نیز جایز است و اگر به صورت قطعی بدانیم که ادنی الحَلّ کجاست، چنانکه در مورد مزدلفه چنین است، می‌توانیم از آنجا احرام ببندیم، ولی اگر شک داشته باشیم که در یکی از جهت‌ها مرز حرم کجاست؟ احتیاط در آن است که از منطقه‌ای احرام ببندیم که از حرم دورتر باشد؛ چنانکه در جعرانه و حدیبیه و مانند آن، چنین است.

به این ترتیب، مرزهای حرم، که یک برید در یک برید است، در همه جهت‌ها حالت یکپارچه‌ای ندارد؛ چنانکه در برخی از اخبار به آن اشاره شده است. در هر حال، تعیین مرزهای حرم به صورت یک برید در یک برید، اشکالی در جای کنونی تنعیم پدید نمی‌آورد؛ زیرا آن چه گفته شد که عمل پیامبر ﷺ آن را میقات کرده، چنانکه حدیبیه و جعرانه نیز همین‌گونه هستند، تنها حالت استحباب را نشان می‌دهند؛ زیرا پیروی از عمل پیامبر ﷺ و به خاطر دوری آن‌ها از مکه است. نه از آن رو که نزدیک‌ترین جاها به حرم است. بنابراین، یقین ما به این که آنجا بخشی از حرم است، سبب می‌شود که احکام حرم را بر آن پیاده کنیم و اگر یقین نداشتیم، احکام حرم را بر آن جاری نمی‌کردیم، ولی لازم است از مکانی احرام ببندیم که یقین داشته باشیم خارج از مرزهای حرم است. خداوند همگان را موفق بدارد.

○ پانوشته‌ها:

- ۱- این مرد (امام علیه السلام) کسی است که سرزمین بطحا جای پای او را می‌شناسد و خانه خدا و حلّ و حرم با او آشنا هستند.
- ۲- وسائل الشیعه، ج ۱۰، باب ۲، از ابواب عمره، ح ۲
- ۳- وسائل الشیعه، ج ۱۰، باب ۲، از ابواب عمره، ح ۶
- ۴- وسائل الشیعه، ج ۱۰، باب ۲، از ابواب عمره، ح ۳
- ۵- وسائل الشیعه، ج ۸، باب ۹، از ابواب حج، ح ۶
- ۶- مستند العروة الوثقی، کتاب الحج، ج ۲، تقریرات آیت الله خوئی، به قلم سید رضا خلخالی،



۷- وسائل الشیعه، ج ۸، باب ۲۱، از بخش‌های حج، ح ۲

۸- همان، باب ۳، از بخش‌های حج، ح ۴

۹- همان، باب ۲۲، از مواقیت، ح ۱

۱۰- جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۱۱۹

۱۱- وسائل الشیعه، ج ۸، باب ۱۵، از مواقیت، ح ۱

۱۲- فتح: ۱۸

۱۳- عاتق بن غیث بلادی، معجم معالم الحجاز، ج ۲، صص ۲۴۶ و ۲۴۷

۱۴- کشف اللثام.

۱۵- یوسف بحرانی، الحدائق الناضره، ج ۱۴، صص ۴۵۵ و ۴۵۶

۱۶- کتاب الحج، تقریرات آیت الله العظمی شاهرودی، ج ۲، ص ۲۹۴

۱۷- هدایة الناسکین، تحقیق دکتر عبدالهادی الفضلی، ص ۸۹

۱۸- عاتق بن غیث بلادی، معجم معالم الحجاز، ج ۲، صص ۱۴۸ و ۱۴۹

۱۹- عاتق بن غیث بلادی، مختصر معالم مکه التاریخیه، ص ۱۵

۲۰- آیت الله العظمی شاهرودی، کتاب الحج، ج ۲، ص ۲۹۵، با اندک تغییر.

به نظر من خواهد آمد که کوه نعیم جنوب شرق تنعیم (مسجد عمره) جای دارد و کوه ناعم در سمت شرق است.

۲۱- عاتق بن غیث بلادی، مختصر معجم معالم مکه التاریخیه، ص ۹ و ۱۰

۲۲- همان.

۲۳- روشن است که عرفات در شرق مکه جای دارد.

۲۴- معجم معالم الحجاز، ج ۹، ص ۶۹

۲۵- منطقه فخ هم اکنون دو محله شهر مکه را در خود جای داده است: «حی الزاهر» و «حی الشهداء»

که مقصود شهدای فخ (حسین بن علی، حسن مثلث فرزند حسن مثنی فرزند امام حسن سبط رسول خدا ﷺ و فرزند علی بن ابی طالب علیه السلام و یاران اوست).

در فخ گورستان مشهوری وجود دارد که آن را به نام گورستان مهاجرین می خوانند و کسانی از

آنان را که مجاور مکه شده بودند، در آن جا دفن می کردند و تا به امروز نیز وجود دارد و مشهور

است، ولی از جای قبر شهدای فخ اکنون اثری دیده نمی شود. سیاهی در تاریخ مکه، (ص ۸۹)

می نویسد: «در اینجا - یعنی در فخ - سرنوشت علویان روشن شد؛ زیرا حسین بن علی در حال

احرام، پس از مبارزه ای سخت، به همراه بیش از صد تن از یارانش، کشته شد. قبرهای آنان در

آن جا مشهور بود و قبر رهبر آنان حسین بن علی بر بالای تپه ای مشرف به رودخانه جای داشت.

در معجم معالم الحجاز، (ج ۷، ص ۱۹) نوشته عاتق بن غیث بلادی چنین آمده است:

«یک شاهد عینی گفت: در اواخر دهه شصت، از قرن چهاردهم هجری، به هنگام خاکبرداری



برای پایه یک خانه در محله شهدا، دست انسانی از زیر خاک نمودار شد که تازه و برهنه بود، آنجا را گود کردند، دیدند دست روی سینه انسانی است. وقتی آن را کشیدند، خون جاری شد. آن را به حال خود رها کردند، فوراً به جای خونریزی بازگشت و آن را متوقف کرد.»

۲۶- وسائل الشیعه، ج ۸، باب ۱۸ از مواقیت، ح ۱

۲۷- گاهی گفته می شود برهنه کردن کودکان از فخر تنها برای کسانی است که از راه مدینه می آیند و اطلاقی در مسأله ما ندارد.

۲۸- نک: جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۱۰۷

۲۹- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۰۴ و وسائل الشیعه، ج ۸، باب ۵ از مواقیت، ح ۱

۳۰- برای آگاهی بیشتر به کتاب هدایة الناسکین دکتر فضلّی، ص ۹۳ مراجعه شود.

